

بررسی تحلیلی ارتباط بین معماری ایرانی و جریان های شعر فارسی

سادات الشریعه حسینی نسب*

چکیده:

در بسیاری از جوامع، شرایط مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر بسزایی در خلق آثار هنری و تکامل و شناخت آنها دارد. محققان بر این باورند که رویدادهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می توانند به اشتراکات و یا به نوعی تفاوت در سبک های مختلف هنری منجر شوند. در این میان، دو حوزه ادبیات، به ویژه در قالب شعر، و معماری توانسته اند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این ارتباط را می توان در طول تاریخ مشاهده کرد، اما در دوره های زمانی خاص این ارتباط به طور محسوس تری قابل مشاهده است. این نوشتار ضمن بررسی تحولات این دو حوزه در ایران پس از اسلام، به تأثیر رویدادهای مهم تاریخ ایران بر تحولات هر دو حوزه می پردازد.

در این مقاله سعی بر این است که به این سؤال پاسخ داده شود که آیا رویدادهای تاریخی در ایران تأثیرات مشابهی در هر دو حوزه داشته است یا خیر و اگر وجود دارد، این شباهت ها به چه معناست؟ در این تحقیق از روش تحلیل تاریخی توصیفی برای یافتن پاسخ سوالات تحقیق استفاده شده است.

داده های این مقاله از طیف گسترده ای از منابع از جمله اسناد موجود، متون ادبی، مصاحبه با کارشناسان و همچنین آرشیو های معماری و اسناد جمع آوری شده

*دانشیار دانشکده معماری دانشگاه کامستس لاهور

است. پس از تجزیه و تحلیل داده ها، پژوهش به این نتیجه میرسد که رویدادهای مهم تاریخ ایران تأثیر قابل توجهی بر معماری و شعر فارسی داشته اند، هرچند که مرز زمانی دقیقی نداشته باشد. برخی از این تأثیرات در دوره معاصر چشمگیر تر هستند. تحقیقات همچنین حاکی از آن است که برای درک ذات هنری يك دوره خاص، نگاه به شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن دوره ضروری به نظر می رسد. روش شناسی و یافته های این پژوهش چند رشته ای می تواند در انجام بررسی های مشابه در سایر زمینه های تاریخی و جغرافیایی مفید باشد.

واژه های کلیدی: ضرب شعر فارسی، معماری ایران، ادبیات فارسی، ایران

مقدمه:

وجه مشترك همه هنرها از هر نوع و ریشه ای که باشند، ارتباط و تأثیرپذیری آنها از شرایط و حوادث اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه می باشد. زیرا که هنرمند نه تنها از مهارت، دانش و خیال خود برای خلق اثر كمك می گیرد، بلکه فضای جامعه نیز بر روح و تفكرات او اثرگذار هستند. از این رو، بررسی عمقی آثار هنری و تحلیل آنها می تواند راهی برای شناخت بهتر جامعه پیرامونی آن اثر باشد. در این میان، بررسی تطبیقی هنرهای مختلف میتواند اثر دو چندان در این مهم داشته باشد، زیرا که وقتی تأثیرات جامعه از عرصه يك هنر فراتر می رود، مشاهده تغییرات و تأثیرات آن ملموس تر و مشهودتر خواهند بود. در طول تاریخ دو حوزه معماری و ادبیات منظوم یا همان شعر، همیشه ابزاری برای بیان اتفاقات و حوادث جامعه پیرامون خود بوده اند. البته این بدان معنا نیست که هنرهای دیگر از جامعه تأثیر نگرفته اند، ولی میزان این اثرگذاری در عرصه این دو هنر بیشتر به چشم میخورد. در مورد رابطه جریانهای شعر فارسی و معماری ایرانی و ارتباط آنها،

تحقیقاتی انجام گرفته است، ولی تا کنون تحقیقی که نگاه تاریخی کلی به این حوزه داشته باشد و در عین حال تأثیرات سیاسی اجتماعی و فرهنگی اجتماع بر این دو حوزه را بررسی کرده باشد، به چشم نمی خورد. خاتون آبادی (۲۰۱۵) در مقاله خود به مقایسه سبک شناسی معماری مساجد ایرانی و شعر فارسی می پردازد. گرچه او نیز در پژوهش خود به دنبال تأثیرات مشترك شرایط اجتماعی-فرهنگی بر سبک های شعر و معماری میگردد، ولی نگاه او صرفاً منعطف بر معماری مساجد است. با این حال، نتیجه تحقیق او نشان می دهد که ارتباط عمیقی بین سبک های مختلف شعر فارسی و معماری مساجد ایرانی در دوره های خاص زمانی وجود دارد. در پژوهشی دیگر، جزء پیری و شرفدار شرقی (۲۰۱۷) به تأثیر حوادث دوران معاصر ایران بر معماری و شعر فارسی می پردازند و به این نتیجه می رسند که گرچه ارتباط زمانی یکسانی بین این تأثیرات وجود ندارد، اما می توان شاهد نشانه های مشابهی از حوادث اجتماعی-فرهنگی بر این دو حوزه بود. در تازه ترین تحقیق، بمانیان و همکاران (۲۰۱۲) از مطالعه تطبیقی سبک های شعری و معماری ایرانی به این نتیجه رسیده اند که دو سبک مشترك، یکی تکاملی و منظم و دیگری مردمی در دوران صفوی رایج بوده است. در تحقیقات دیگری از جمله جود کی عزیزی و موسوی حاجی (۲۰۱۵) و پامنی و پازکی (۲۰۱۶) نتایج مشابهی از مطالعه عرصه شعر فارسی و معماری ایرانی حاصل شده است.

وجه مشخصه و تمایز تحقیق حاضر از دیگر پژوهش های مشابه این است. که اولاً؛ رابطه شعر فارسی و معماری ایرانی با توجه و نگاه به رویدادهای جامعه پیرامونی آنها بررسی شده و دوماً؛ از نظر بازه زمانی به سه دوره پیش از دوران مدرن،

دوران مدرن و دوران پس از مدرن تقسیم و منعطف شده است.

روش تحقیق:

مقاله حاضر دستاورد پژوهش بین رشته ای بین دو حوزه معماری ایرانی و شعر پارسی است که با کنکاش در عرصه عینی هر دو حوزه سعی بر ایجاد ارتباط بین دو حوزه و مشابهت آنها در تاثیر گیری از جامعه پیرامونی خود دارند. این تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی بهره برده است و اطلاعات مورد نیاز از منابع موجود کتابخانه ای، آرشیو های معماری و بعضاً نظر صاحب نظران هر دو حوزه جمع آوری شده است. نگاه این پژوهش در کل يك نگاه کیفی است و از راهکار تطبیقی و مقایسه ای برای ایجاد خط ربط بین دو حوزه استفاده شده است.

تحلیل و بررسی:

مهم ترین بخش این تحقیق تقسیم بندی زمانی آن می باشد که می بایست بر اساس حوادث و سیر سیاسی-اجتماعی و فرهنگی تاریخ ایران باشد. براین اساس این پژوهش به سه دسته بندی زمانی تقسیم شده است: دوران سنتی که در آن دو دوره ایلخانی- تیموری و سلسله صفوی انتخاب گردیده اند، دوران مدرن که بازه تاریخی اواخر سلسله قاجار و اوایل دوره پهلوی را شامل می شود و دوران پسا مدرن که شامل سالهای پیش از انقلاب ۱۹۱۹ و دهه بعد از آن را شامل می شود.

دوران سنتی:

یکی از دوره های مورد بحث دوره ایلخانی- تیموری است که با فاجعه مغول در ایران آغاز می شود. فاجعه مغول یکی از بدترین جنایات و کشتار تاریخ بشر بشمار میرود که متأسفانه تأثیرات زیادی در تاریخ ایران برجا گذاشته است. در سال

۱۲۱۹ میلادی، حمله چنگیز خان به ایران انجام میگیرد که ضربه شدیدی را به تمدن ایرانی اسلامی وارد می کند. پس از آن با انقراض حکومت اسماعیلیه و خلافت بنیعباس، حکومت ایلخانان در (۱۲۵۶ میلادی) به مدت هشتاد سال در ایران مستقر شد. از بین رفتن سلسله ایلخانان در ۱۳۳۵ میلادی چند دهه درگیری های طوایفی را به همراه داشت. این دوران آشوب بالاخره با لشگر کشیها و فتوحات تیمور لنگ در ایران و حکومت وی تا سال (۱۴۰۵ میلادی) پایان یافت (عدالت، ۲۰۱۰).

در این دوران (قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی) سرزمین آذربایجان به یکی از مراکز قدرت ایران و اسلام بدل می گردد. در این دوران که معماری به اوج شکوفایی می رسد، سبک آذری به دنبال سبک رازی شکل می یابد. ایلخانان تیموری پس از ویرانی ایران دریافتند که برای ادامه حکومت خود به مراکز بازرگانی و پایتخت احتیاج دارند و بنابراین به فراخواندن معماران از سمت جنوب شدند. آنها با التقاط معماری مرکز و جنوب ایران و معماری بومی آذربایجان سبک جدیدی به نام آذری پایه گذاری کردند. از ویژگی های معماری ایلخانی- تیموری میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- ارتفاع زیاد و مقیاس های بزرگ از جمله ایوانهای مرتفع، مناره ها و طاق نماهای بلند و گنبدهای عظیم (پوپ، ۱۹۸۵)
 - استفاده از تزیینات سلجوقی در بناهای عمومی به شکل پیشرفته تر و به اوج رساندن تزیینات آجرکاری (کیانی، ۲۰۰۷)
 - پلانها و ارتباط فضایی پیشرفته و متنوع
- از آثار و بناهای بارز این دوره میتوان به گنبد سلطانیه و مسجد کبود تبریز اشاره کرد.

گنبد سلطانیه دارای گنبد دو پوسته بسیار عظیم می باشد و هشت مناره بلند در اطراف این گنبد وجود دارند. مسجد کبود تبریز به خاطر داشتن ایوان های بلند با اجرکاری های پیشرفته و کاشی کاری های هفت رنگ و معرق معروف است. در مجموع سبک آذری به یکی از تکامل یافته ترین سبک های معماری ایران بدل می شود و در آن تزئینات و مقیاس به کمال میرسند.

در حوزه شعر، سبک غالب این دوره سبک عراقی است. در این دوران مردم عامه که از جنگ و خونریزی دوران ایلخانی و تیموری به تنگ آمده اند به تصوف روی می آورند. این امر نه تنها در معماری باعث پیشرفت معماری خانقاه ها و بروز سبک آذری می شود، در حوزه ادبیات و شعر نیز عرفان به بدنه شعر فارسی نفوذ می کند که از ویژگیهای بارز سبک عراقی می باشد (حاکمی والا، ۲۰۰۱). در نیمه اول قرن چهارده میلادی اگرچه شاهزادگان تیموری خود از دانش و هنر بهره ای نداشتند ولی اهمیت زیادی به این دو عرصه دادند. در نتیجه نه تنها عوام به شعر و تصوف روی آوردند، بلکه شاهزادگان و درباریان تیموری نیز به شعر بهای دو چندان دادند. از شاعران بارز سبک عراقی این دوره و قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی میتوان به حافظ، سعدی و مولوی اشاره کرد. حافظ به خاطر شاعری اجتماعی و عارف مسلک که تغزل را به اوج رساند، سعدی به دلیل استفاده فاخر از زبان فارسی در بیان مسایل اجتماعی و نیز استفاده از شیرین کلامی طنز در بیان نصایح اخلاقی و مولوی برای بیان بسیار عمیق مسایل عرفانی و رسیدن به عشق الهی در قالب غزلیات شمس از شعرای به نام سبک دوره عراقی در این دوران محسوب می شوند.

پس از سقوط حکومت ایلخانی- تیموری سلسله صفوی در ایران تاسیس

شد و به مدت بیش از دو قرن بر ایران حکومت کرد. از ویژگی های بارز این دوره می توان به تشکیل حکومت مرکزی و ثبات سیاسی و در طبع آن رونق اقتصادی و اجتماعی ایران اشاره کرد (نوایی و غفاری فرد، ۲۰۰۲). از اقدامات سیاسی این دوره میتوان به تشکیل حکومت مرکزی بر اساس تفکرات شیعه اثنی عشری اشاره کرد که البته ریشه در نگاه تصوف در مردم عامه ایران در دوره ایلخانی و تیموری دارد. این نگاه مذهبی و شیعی حکومت صفوی در معماری باعث ایجاد سبک اصفهانی و در طبع آن به کمال رسیدن بناهای مذهبی و علی الخصوص مساجد می شود؛ به طوری که در این دوره مساجد به کامل ترین پلان فضایی خود یعنی اسلوب چهار ایوانی می رسند. از سوی دیگر با الهام از شیوه عراقی در دوره گذشته تزئینات مساجد و بناهای عمومی ارتقاء پیدا می کنند و کاشی کاری های هفت رنگ و معرق با خطاطی های مذهبی، قرانی و ادعیه شیعه رواج پیدا میکنند (نصر، ۲۰۱۰). ساخت کاخهای باشکوه، احیای باغهای ایرانی، پلها و بناهای عمومی با بهره گیری از شیوه معماری کلاسیک و باستانی ایرانی از ویژگی های معماری این دوره می باشد.

به شکل مشابهی در عرصه ادبیات نیز، در حکومت صفوی و علی الخصوص حکومت شاه عباس گرایش به ادبیات مذهبی و شیعی افزایش پیدا می کند (رنجبر، ۲۰۰۸). به این دلیل سبک عراقی در شعر این دوره به وفور دیده می شود و شاعرانی همچون محتشم کاشانی، شیخ بهایی و فیض کاشانی با تقلید از سبک حافظ و سعدی به اشعار مذهبی روی می آورند. البته شاعران دیگری نیز در این دوره وجود دارند که از سبک عراقی خارج شده و به سبک اصفهانی روی آوردند. در این بین می توان با صائب تبریزی اشاره نمود که یکی از برجسته ترین شاعران سبک

اصفهان است و آن را به اوج رسانید (حسن پور آلاشتی، ۵۰۰۲).
در مجموع آنچه قابل مشاهده است این است که در دوره سنتی خصوصا در اوج آن و دوران ایلخانی - تیموری و صفوی، هر دو عرصه شعر و معماری بر پایه سبک های سنتی و کلاسیک ایرانی بنیانگذاری شده و رشد کرده اند. همچنین هر دو هنر به شکل بازی از شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه زمان خود تاثیر گرفته اند.

دوران مدرن:

بیان سال و نقطه زمانی خاص برای آغاز دوره مدرن در تاریخ ایران کار سختی است. ولی بر اساس رای بسیاری از صاحب نظران عرصه تاریخ، مشاهده تاثیر گرایش مدرن در ایران به سالهای اولیه قرن بیستم میلادی برمی گردد. این دوره به لحاظ تاریخی همزمان با آغاز انقلاب مشروطیت مصادف با سال ۱۹۰۶ در ایران است. این دوران که مصادف با دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار می باشد، سرآغاز عصر بیداری و شروع گرایش های مدرن در عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی می باشد (حسین پور، ۲۰۱۱).

در عرصه شعر فارسی، شروع سبک جدید بر اساس دو پدیده اجتماعی - سیاسی آن دوره اتفاق می افتد؛ یکی انقلاب مشروطه که حاصل نارضایتی مردم از حکومت شاهان قاجار است و دیگری تجدد خواهی و گرایش های زندگی مدرن غربی است که آن نیز از طریق نحوه زندگی دربار قاجار به جامعه ایران آن زمان وارد شده است (همان، ۲۰۱۱). لذا در این دوره شاهد یک تجدد خواهی ادبی در ایران هستیم که با تشکیل انجمن ادبی توسط ملک الشعرای بهار (۱۸۸۶-۱۹۵۱) پایه گذاری می شود. البته ملک الشعرای بهار گرچه از شاعران

تجدد خواه معاصر به حساب می آید، اما شعر او در قالب سنت گرا است ولی دارای مضامین نوگرایی می باشد. دیدگاه دوم شعری این دوران از سال ۱۹۲۲ و به طور خاص با انتشار شعر «افسانه» و نیما یوشیج آغاز می شود. در این دوران که اوایل حکومت پهلوی می باشد، تاثیرات غربی به شکل کامل وارد ایران شده است. نیما یوشیج که بنیان گذار مکتب شعر نو در ایران به حساب می آید، با تأثیرپذیری از رمانتیسم فرانسه که از طریق مترجمان در این بازه زمانی وارد ایران شد، کوشش در شکستن قالبهای سنتی شعر فارسی کرد. شعر او که شعر رمانتیک عاشقانه و فرد گرا است، از قالب های شعری سنتی چون غزل و قصیده خارج شده و از قالب های ولی موزون برای بیان مضمون های عاشقانه استفاده می کند. این گرایش شعری با کودتای ۲۸ مرداد و ستیز اجتماعی مردم عامه با حکومت وقت ادامه پیدا میکند و از رمانتیسم فرد گرا به رمانتیسم جامعه گرا تبدیل می شود. دو دهه بعد، شاعرانی چون مهدی اخوان ثالث، و احمد شاملو با توسعه سبک شعری نیمایی و با تأثیر گریز از وقایع سیاسی-اجتماعی جامعه، ادامه دهنده این سبک شده و آن را از شعر رمانتیک عاشقانه و فرد گرا به شعر رمانتیک جامعه گرا و انقلابی تبدیل نمودند. شعر «زمستان» اخوان ثالث از جمله اشعار معروف و تأثیرگذار اجتماعی و ادبی این دوره به حساب می آید که با ساختارشکنی ادبی مشهود و بر پایه سبک نیمایی تلاش به انتقاد شرایط سیاسی-اجتماعی دوران خود دارد.

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت

سرها در گریبان است.

کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را

نگه جز پیش پا را دید، نتواند

که ره تاریک و لغزان است.

و گر دست محبت سوی کس یازی

به اکراه آورد دست از بغل بیرون

که سرما سخت سوزان است . (مهدی اخوان ثالث)

این روند شعری معاصر تا یک دهه قبل از انقلاب ۱۹۷۹ ایران توسط شاعران مختلف ادامه و تکامل می یابد .

از دید معماری، برخی شروع معماری معاصر ایران را از دوره قاجار و زمان سلطنت ناصرالدین شاه می دانند که آن نیز به سالهای اولیه قرن بیستم میلادی بر می گردد. همانگونه که ذکر شد در این دوران مدرنیته وارد زندگی اجتماعی و نیز عرصه هنر، ادبیات و معماری ایران می گردد. به لحاظ معماری در این دوره مدرنیته را فقط می توان در ساختمانهای خاص دولتی-سلطنتی جستجو کرد و آن نیز بالاخص در شهرهای بزرگ چون تهران. در سایر ساختمان های عادی شهرها هنوز شاهد معماری سنتی و کلاسیک ایرانی هستیم. با شروع مدرنیته در معماری شهرهای بزرگ ایران همچون تهران، شهرها به سرعت گسترش پیدا کرده و به بیرون از حصارهای سنتی و تاریخی کشیده می شوند (قبادیان، ۲۰۱۳). این روند به مدت دو دهه در معماری ایران ادامه پیدا کرده و تا سالهای ۱۹۲۰ به عرصه جدیدی وارد می شود. در این سالها به دلیل تحولات سیاسی-اجتماعی، جریان زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران نیز تغییر کرده و در نتیجه سیمای شهرهای ایران دچار تحول می شود. ساختمان های این دوران به لحاظ کاربری متناسب با نیازهای زندگی مدرن است

و با تاسیس ساختمانهایی چون بانک ها، ایستگاههای راه آهن، کارخانجات صنعتی و دانشگاهها گونه جدیدی از کاربری و معماری روبرو هستیم.

نکته دیگر در مورد معماری این دوره، طراحی و بنای ساختمان ها به دست معماران تحصیلکرده بود که عمدتاً تحصیلکرده مدارس معماری غربی بودند. تا قبل از این بناها به دست معماران سنتی که حاصل سیستم استاد-شاگردی بودند بنا می شد. به دنبال این پدیده ورود مدرنتیه به معماری ایران ادامه پیدا می کند. بعد از این مدارس معماری در ایران نیز تاسیس می شوند که اولین آن دانشکده هنرهای زیبای تهران در سال ۱۳۲۰ بود که آن نیز تحت تاثیر مدارس معماری سبک فرانسه بود. با ورود دانش آموختگان این مدارس معماری ایران به خصوص در شهرهای بزرگ به سمت سبک مدرن پیش می رود. از شاخصه های این معماری عبارتند از: حذف عناصر سنتی و حضور نمادهای غربی در نمای ساختمان ها، تقلید از ستون های کلاسیک اروپایی و گاه آمیخته با ستون های کلاسیک معماری ایرانی در بناهای عمومی و مهم شدن عناصری چون پله کان و تراس به شکل نمایشی و غربی (کیانی، ۲۰۰۴). از معماران به نام این دوره می توان به وارطان هوانسیان، ماکسیم سیرو، بهزاد و آندره گدار فرانسوی اشاره کرد.

همانطور که می توان فهمید از نظر تاریخی و سیر تحول، شعر فارسی و معماری ایرانی در دوره معاصر هر دو تغییرات مشابهی را تجربه کردند که این تغییرات حاصل تاثیرپذیری از اتفاقات و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آن زمان می باشد.

دوران پسامدرن:

مرحله آخر تطابق عرصه شعر فارسی و معماری ایرانی از زمان انقلاب ۱۹۷۹ و سالهای منتهی به آن آغاز می شود. این دوران که یکی از مهم ترین حوادث تاریخ معاصر ایران به شمار می رسد دوران تحول فرهنگ و معماری معاصر ایران محسوب می شود. به لحاظ تاریخی و سیاسی نیز، دو اتفاق در صدر حوادث مهم سیاسی-اجتماعی این دوران به حساب می آیند؛ یکی انقلاب ۱۹۷۹ و دیگری جنگ ایران و عراق در دهه هشتاد میلادی.

در اواخر دوران پهلوی که نارضایتی از عملکرد محمدرضا شاه بالا می گیرد، نوعی نگاه انتقادی در مردم شکل می گیرد که در هنر شعر و ادبیات به شکل شعر سیاسی مخالف با رژیم در می آید و تلاش بر روشنگری ملت دارد. مضمون اکثر این اشعار نگاه انقلابی و حماسی دارد و سعی در ترغیب جامعه به بیداری و نهضت آزادی دارد. شعرایی چون طاهره صفارزاده، علی موسوی گرمارودی و نعمت میرزازاده از این دست هستند. این نوع از شعر تا زمان جنگ ایران و عراق در دهه هشتاد میلادی امتداد و تکامل پیدا می کند. شعر انقلابی دوره انقلاب ۱۹۷۹ به شعر مقاومت در دهه هشتاد بدل می گردد. محمدرضا شفیعی کدکنی و قیصر امین پور از نمونه های بارز شعرای شعر مقاومت هستند که در قالب نو به مضامین مقاومت و حماسی می پردازند. اگرچه این شعرا از ساختار شعری نو استفاده کرده اند اما توجه آنها به ساختار فارسی اصیل و دوری از نفوذ ادبیات غرب به شعر و ادبیات فارسی از ویژگی های اشعار این دوره می باشد (جزء پیری، شرفدار، ۲۰۱۷).

در مقابل، هنر معماری نیز دچار تحول نسبتاً مشابهی می باشد. با نفوذ

خانندان پهلوی به ساخت بناها و مجموعه های عمومی در این دوره از يك طرف و نیز توجه بیش از حد آنها به معماری پارسی پیش از اسلام از سوی دیگر، شاهد سبکی از معماری به نام معماری ملی هستیم که گرچه هنوز در برخی تناسبات و استفاده از مصالح رویکردی مدرن دارند اما سعی میکنند از نمادها و سمبل های معماری پارسی دوران پیش از اسلام در نماها و فرم ساختمان ها استفاده کنند. بناهایی چون موزه هنرهای معاصر تهران توسط کامران دیبا و نمازخانه موزه فرش از جمله این بناها هستند. این سبک معماری تا بعد از انقلاب ۱۹۷۹ نیز ادامه پیدا میکند اگرچه بعد از انقلاب بیشتر به سمت معماری ایرانی- اسلامی سوق می یابد.

نتیجه گیری:

قیاس هنرهای مختلف به شکل کامل و خطی، امکان پذیر نمی باشد. از مطالعه دو حوزه شعر فارسی و معماری ایرانی در دوره های مختلف زمانی به این نتیجه می توان دست یافت که گرچه قیاس کاملی بین آنها وجود ندارد ولی شرایط مختلف به خصوص گرایش های غربی و مدرن در دوران معاصر تأثیرات مشابهی بر هر دوی آنها چه به شکل ظاهری و به شکل مضمون برجای گذاشته است. همچنین می توان به این نتیجه رسید که گرچه هر کدام دارای خط سیر مستقلی می باشند، اما تأثیرات اجتماعی-سیاسی در هر برهه از زمان با فاصله زمانی نه چندان زیاد تغییرات تقریباً مشابهی بر روی آنها ایجاد نموده است. در کل می توان به این نتیجه رسید که تمامی هنرها برگرفته از روح زمان خود هستند که طبیعتاً باعث شباهت های متعددی در ایجاد و تحول آنها می گردد و در نتیجه شعر و معماری نیز در این زمره می باشند.

کتاب شناسی و منابع:

- بمانیان، محمدرضا. جهانبخش، حیدر. جعفری ها، رضا. دل زنده، علی. (۲۰۲۱). بررسی تطبیقی معماری و شعر در عصر صفوی بر پایه پیچیدگی های سبک شناختی آن، دو فصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال پنجم، (۹) ۸۴-۱۰۰
- پوپ، آرتور اپهام (۱۹۸۵) معماری ایران پیروزی شکل و رنگ، مترجم: کرامتالله افسر، انتشارات فرهنگسرا، تهران.
- پوپ، آرتور اپهام (۲۰۰۸) معماری ایران، مترجم: زهرا قاسمعلی، انتشارات سمیرا، تهران.
- پیامنی، بهناز. پازکی، معصومه. (۲۰۱۶). نقش ادبیات و فرهنگ ایرانی در معماری باغهای هند (مطالعه موردی: بررسی باغ مزار تاج محل بر اساس تئوری داده بنیان)، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی، سال نهم، (۴) ۲۶۳-۲۸۴
- جزء پیری، علیرضا. شرفدار شرقی، لیدا. (۲۰۱۷). بررسی تعامل معماری ایران و جریان های شعر فارسی در دوران معاصر (تا انقلاب ۱۳۵۷)، فصلنامه علمی تخصصی باستان شناسی ایران- شوشتر، ۵۹-۷۳
- جودکی عزیزی، اسدالله. موسوی حاجی، سید رسول. (۲۰۱۵). پژوهشی در الگوی هشت بهشت در دو حوزه ادبیات و معماری، کهن نامه ادب پارسی، سال ششم، (۴) ۱۸-۲۵
- حاکمیوالا، اسماعیل (۲۰۰۱) نکاتی پیرامون شعر فارسی در دوره تیموری،

ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره

يك. ۶۵-۷۴

- حسنیور آلاشتی، حسین. (۲۰۰۵). طرز تازه سبکشناسی غزل سبک هندی. تهران: سخن.

- حسین پور چافی، علی (۲۰۱۱). جریانهای شعری معاصر؛ از کودتای ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.

- خاتونآبادی، افسانه. (۲۰۱۵). مقایسه سبکشناسی معماری مساجد ایرانی و شعر فارسی، پژوهش های معماری اسلامی، (۹) ۴۹-۶۶.

- رنجبر، ابراهیم. (۲۰۰۸). دو تاثیر شریعت بر شعر فیضکاشانی. مجموعه مقالات ادبیات. گردهمایی مکتب اصفهان. جلد اول. تهران: فرهنگستان جمهوری اسلامی ایران. ۲۸۵-۲۹۸.

- عدالت، عباس (۲۰۱۰). فرضیه فاجعهزدگی: تأثیر پایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی، اجتماعی و علمی ایران، فصلنامه بخارا، سال سیزدهم، شماره (۷۷) و ۲۶۲-۲۲۷ (۷۸)

- قبادیان، وحید (۲۰۱۳). سبک شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران"، چاپ اول، تهران، علم معمار.

- کیانی، محمد یوسف (۲۰۰۷). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم دانشگاهها (سمت)، تهران.

- کیانی، مصطفی (۲۰۰۴). معماری دوره پهلوی اول؛ دگرگونی اندیشه ها، پیدایش و شکل گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران، چاپ اول، تهران،

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- نصر، سید حسین (۲۰۱۰) هنر و معنویت اسبمی. تهران: انتشارات حکمت.
- نوایی، عبدالحمید و غفاری فرد، عباسقلی. (۲۰۰۲) تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: انتشارات سمت.